

به نام خدای مهربان



۸۴ سال



ماجرای ماهی کوچولو رنگین کمان

۳

رنگین کمان و الماس آبی

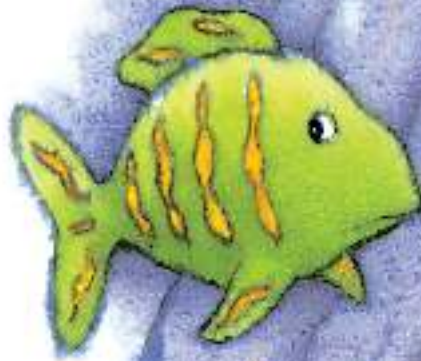
واحدکدک گروه انتشاراتی **ذکر** ناشری پیشرو در انتشار کتاب‌های مناسب برای پیش دبستانی‌ها و دبستانی‌ها

دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، خیابان محتشم، شماره ۲۰، طبقه همکف، واحد ۲
 تلفن: ۰۲۱ ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) ghasadakbooks.ir @ghasedak_books @ghasedak_books @ghasedakbooks

رنگین کمان و الماس آبی

- نویسنده و نقاش: مارکوس فیستر
- مترجم: زهره طباطبائی
- ویراستار: طاهره شاه‌محمدی
- مدیر هنری و اجرای جلد: فریدون حقیقی
- طراحی و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک قاصدک
- زیر نظر گروه برنامه‌ریزی انتشارات ذکر
- لیتوگرافی: مهر ● کد: ۰۳/۱۲۴۷
- چاپ اول: ۱۴۰۳ ● تیراژ: ۱۵۰۰ جلد
- شابک: ۳ - ۴۲۷ - ۲۳۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸
- شابک دوره: ۳ - ۴۳۰ - ۲۳۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸
- کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است.
- قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

سرشناسه: فیستر، مارکوس Pfister, Marcus
 عنوان و نام پدیدآور: رنگین‌کمان و الماس آبی/نویسنده و تصویرگر
 مارکوس فیستر؛ مترجم زهره طباطبائی؛ ویراستار طاهره شاه‌محمدی.
 مشخصات نشر: تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر،
 کتاب‌های قاصدک، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری: ۲۴ ص. : مصور (رنگی).
 شابک: ۳-۴۲۷-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: Hide and seek
 یادداشت: مخاطب: ۶+
 موضوع: ماهی‌ها - داستان Fishes -- Fiction
 دوستی - داستان Friendship -- Fiction
 شناسه افزوده: طباطبائی، زهره، ۱۳۳۳-، مترجم
 رده‌بندی دیویی: ۱۵۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۴۵۹۰۳

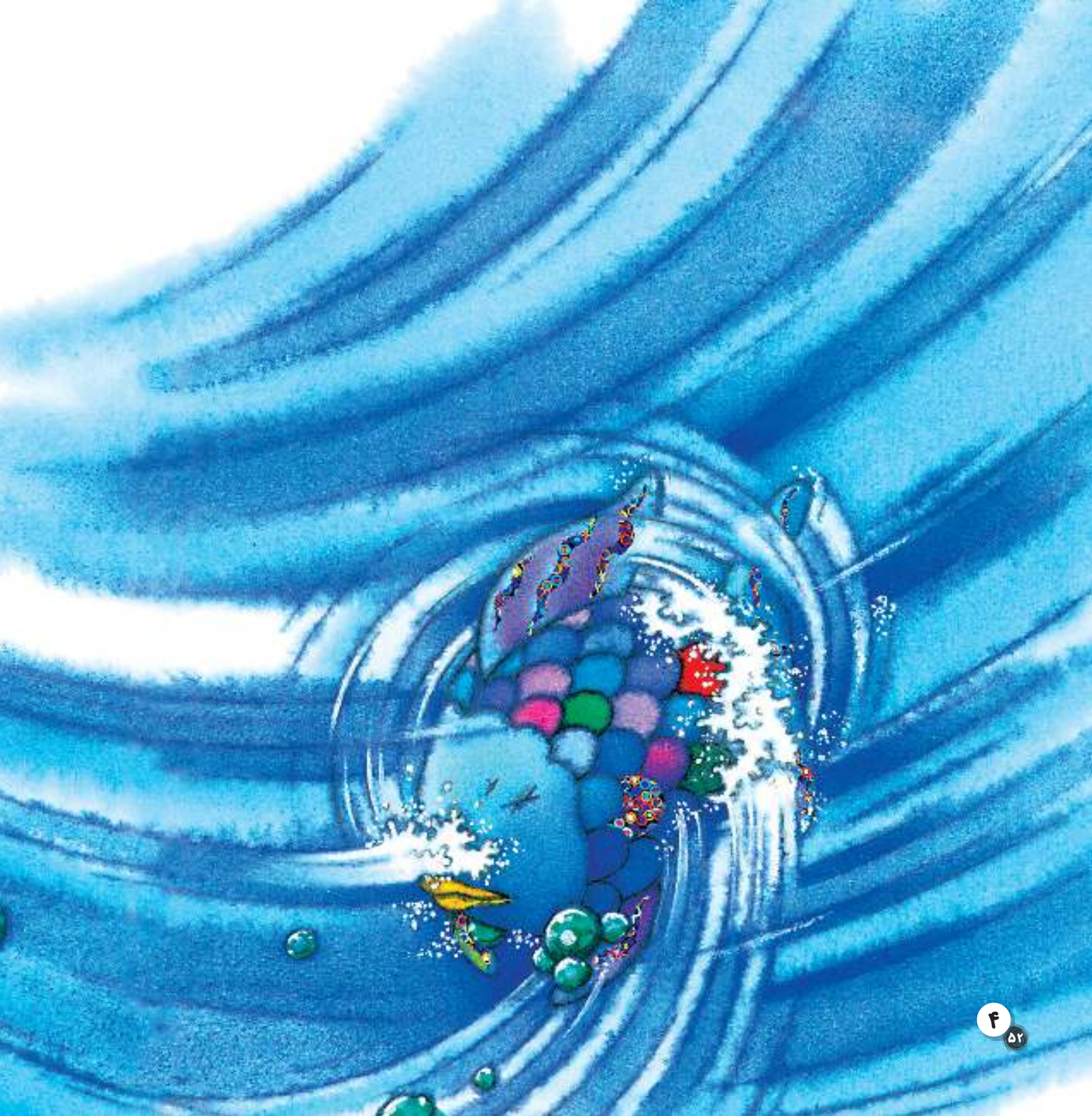


امروز صبح، چند ساعتی بود که دریا آرام نبود... طوفان در راه بود و همه‌ی ماهی‌های کوچک با پولک‌های براقشان پشت صخره‌ها پناه گرفته بودند. به جز رنگین‌کمان و دوستش گلینو که هنوز بیرون بودند.

ماهی‌راه‌راه دستپاچه داد زد: «زود باش بیا! باید برگردیم خونه!»
رنگین‌کمان جواب داد: «تو برو! من چند تا سنگ کوچولو جمع می‌کنم و دنبالت میام... اونا خیلی قشنگن... مثل الماس‌های آبی رنگ!»
گلینو اصرار کرد: «باشه! ولی زود باش! زیاد نمی‌تونی اینجا بمونی. خطرناکه!»

بعد برخلاف میلش از او دور شد.





رنگین کمان آن قدر سرگرم بود که ترس را فراموش کرده بود. اما درست همان زمانی که آخرین سنگ را برداشته بود، کف اقیانوس زیر و رو شد... همه چیز در هم پیچید و او در گردابی وحشتناک گرفتار شد. اول سعی کرد با تمام زورش مقاومت کند، ولی فایده‌ای نداشت. جریان آب او را محکم چرخاند و با خود برد...